

A New Reading of the Jihad Sermon of Imam Ali (a.s.) Based on the Theory of Textual Meta-Functionality (Halliday's Role-Oriented Approach)

Payman Salehi*

Abstract

According to Halliday's theory, one of the characteristics of the text is to have coherence, therefore, by giving importance to the beginning-end structure and marking and unmarking of each paragraph, it determines the author's method and performance in inducing his intended message. Based on the mentioned theory, by examining the grammatical, lexical and linking relationship of a text, a comprehensive analysis of how its different clauses are coherent and interconnected is obtained. This research has examined the jihad sermon of Imam Ali (a.s.) based on the meta-textual approach (Halliday's role-oriented approach) in a descriptive-analytical way. The results show that most of the clauses of the mentioned sermon have a compound beginning, and especially its expression with such a beginning was a suitable point for inducing the message and validates the coherence of the text. Also, other types of cohesion such as intra-textual reference, substitution, deletion, lexical cohesion, especially synonymous expressions, and also link cohesion are prominent elements of this text. The examination of this sermon from Nahj al-Balaghah based on Halliday's theory, further identifies its value and importance in both religious and literary contexts.

Keywords: Imam Ali (a.s.), Nahj al-Balaghah, Jihadi Sermon, Michael Halliday, textual meta-function, role-oriented approach.

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, p.salehi@Ilam.ac.ir

Date received: 2022/04/09, Date of acceptance: 2022/11/28



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خوانشی نو از خطبه جهادیه امام علی(ع) بر اساس نظریه فراکارکرد متنی (رویکرد نقش‌گرای هلیدی)

پیمان صالحی*

چکیده

بر اساس نظریه هلیدی، یکی از ویژگی‌های متن، داشتن انسجام است، بنابراین با اهمیت دادن به ساختار آغازگری - پایانی و نشان‌داری و بی‌نشانی هر بند، شیوه و عملکرد نویسنده در القای پیام مورد نظر خویش را معین می‌کند. بر اساس نظریه مذکور، با بررسی ارتباط دستوری، واژگانی و پیوندی یک متن، تحلیل جامعی از چگونگی انسجام و به هم پیوستگی بندهای مختلف آن به دست می‌آید. این پژوهش، خطبه جهادیه امام علی(ع) را بر اساس فراکارکرد متنی (رویکرد نقش‌گرای هلیدی) و به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده، نشان از آن دارد که اغلب بندهای خطبه مذکور، آغازگر مرکب دارد و مخصوصاً بیان آن با چنین آغازی، نقطه مناسبی برای القای پیام بوده است و بر انسجام متن صحه می‌گذارد. همچنین سایر گونه‌های انسجامی چون ارجاع درون متنی، جانمایی، حذف، انسجام واژگانی به ویژه عبارات مترادف و نیز انسجام پیوندی از عناصر برجسته این متن است. بررسی این خطبه از نهج البلاغه بر اساس نظریه هلیدی، ارزش و اهمیت آن را هم در زمینه مذهبی و هم زمینه ادبی، بیشتر مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، نهج البلاغه، خطبه جهادیه، مایکیل هلیدی، فراکارکرد متنی، رویکرد نقش‌گرا.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام، p.salehi@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

امروزه، زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از نگرش‌های مهم در زبان‌شناسی نظری به شمار می‌رود که بر نقش‌های زبانی تأکید دارد. «نقش‌گرایان معتقدند که زبان، ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (هلیدی، ۱۹۸۵: ۴۰). طبق این نظریه، جملات متن، روابط معینی دارند که آن را از مجموعه جملاتی که تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا نموده و آن را به عنوان یک متن، مشخص می‌سازد (قنبری پریخانی و طاهری‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۰۸). بر همین اساس، آن‌ها کار خود را با تکیه بر حیطه کلام آغاز می‌کنند و در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌دانند. «نظریه نقش‌گرای هلیدی (Michael Halliday)، یکی از جامع‌ترین نظریات علمی است که زبان را نظامی برای بیان معنا در نظر می‌گیرد و برای آن نقش و کارکردی اجتماعی قائل می‌شود.» (مشکوة الدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). یکی از متونی که زبان‌شناسان از دیرباز آن را مورد توجه قرار داده‌اند متون مذهبی است. در میان متون مذهبی، قرآن کریم بیش از هر متن دیگری در این زمینه ایفای نقش کرده است و محققین مذهبی از نظریات مختلف زبان‌شناسی برای تفسیر و فهم بهتر آن، منابع مذکور بهره برده‌اند، اما تا کنون یافته‌های علم زبان‌شناسی در تحلیل متن نهج‌البلاغه کمتر مورد توجه قرار گرفته است حال آنکه همگان در بی‌نظیر بودن کلام امام علی (ع) اتفاق نظر دارند. در عظمت کلام او همین بس که گفته‌اند: «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ ج ۱/۲۴-۲۵) (پایین‌تر از کلام خدا و بالاتر از سخنان مردم است). محمد عبده در مقدمه نهج‌البلاغه می‌گوید: «در میان ادیبان کسی نیست که معتقد نباشد که سخن علی (ع) بلیغ‌ترین و وزین‌ترین سخن از جهت موضوع، اسلوب و معانی ارجمند پس از کلام خدا و پیامبر است» (عبده، بی‌تا: ج ۱/۱۱). جرج جرداق نویسنده مسیحی در مورد بلاغت نهج‌البلاغه می‌نویسد: «بلاغت، عبارت از موافقت کلام با مقتضای حال است و بر این اساس ملاحظه می‌شود که نهج‌البلاغه بلیغ‌ترین کتاب به طور مطلق است یا از بلیغ‌ترین‌ها به شمار می‌رود.» (نقل از شریفی، ۱۳۸۰: ۲۵۵) در این پژوهش برآنیم با استفاده از مهمترین عناصر مطرح شده در فراکرد متنی، یعنی ساخت آغازگری- پایانی، ساخت اطلاعاتی و انسجام، چینش بندهایی را که به شکل‌گیری خطبه جهادیه امام علی (ع) یاری رسانده و با خلق این اثر ادبی زیبا و منسجم، دریافت پیام را برای خواننده میسر ساخته‌اند مورد بررسی قرار دهیم.

۱.۱ ضرورت تحقیق و سؤالات آن

آنچه بر ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر می‌افزاید، این است که تا کنون در زمینه بررسی فراکارکرد متنی در خطبه‌های نهج البلاغه پژوهشی منسجم صورت نگرفته، لذا واکاوی زبان‌شناختی این خطبه‌ها برای درک بهتر مفاهیم موجود در آن، مفید خواهد بود. در پایان، پژوهش حاضر توانسته است پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

۱. بر اساس رویکرد نقش‌گرای هیلیدی، مهمترین عناصر مطرح در خطبه جهادیه امام علی (ع)، چه چیزهایی هستند؟
۲. رویکرد فرامتنی، چگونه باعث درک بهتر پیام‌های موجود در خطبه مذکور می‌شود؟

۲.۱ پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات چندانی بر اساس نظریه مورد فراکارکرد متنی و نظریه نقش‌گرای، صورت نگرفته و اکثر پژوهش‌های مرتبط با نهج البلاغه، به بررسی محتوایی و بلاغی آن پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مقاله «کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه» (۱۳۹۲)، نوشته علیرضا نظری که در آن، عناصر انسجامی یا ادوات انسجامی را در ۳۰ خطبه بلند نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است.

محمد علی عرب زوزنی و محمدرضا پهلوان نژاد در مقاله «بررسی ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج البلاغه بر اساس فراتنقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا» (۱۳۹۳)، ساختار آغازگری را در تمامی ۹۹ بند این خطبه تجزیه و بخش پایانی را نیز مشخص نموده‌اند.

مقاله «بررسی ساختار وجهی خطبه جهاد نهج البلاغه بر اساس فراتنقش بینافردی نظریه نقش‌گرا» (۱۳۹۵)، اثر محمد علی عرب زوزنی و دیگران، به بررسی خطبه مذکور از جهت ساختار وجهی، وجهیت منبع، بیان پیام، میزان تعهد گوینده در اعتبار پیام، نوع ارزیابی گوینده از پیام، نقش‌های تعاملی شرکت‌کنندگان در ارتباط زبانی مورد توجه قرار گرفته است.

اما چیزی که پژوهش ما را از سایر پژوهش‌ها متفاوت و متمایز می‌سازد این است که بررسی و تحلیل خطبه جهادیه امام علی (ع) بر اساس رویکرد نقش‌گرای هیلیدی، راه را برای نقد و تحلیل علمی‌تر دیگر خطبه‌ها باز می‌کند و ارزش هنری آن را بیشتر به خواننده نشان می‌دهد. با عنایت به اینکه اساس این نظریه لفظ و معنا بوده با روش علمی نشان داده است که

تصویرهای درهم پیچیده و چندبُعدی متن این خطبه از نهج‌البلاغه از چه انسجامی برخوردار است؛ زیرا شناخت این ویژگی انسجامی موجب می‌شود پرده از ارزش‌های بلاغی، زبانی و تاریخی آن برداشته شود. این مسأله موجب درکی عمیق‌تر و جذاب‌تر شدن خوانش متن برای خواننده می‌شود.

۳.۱ زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی

از جمله زبان‌شناسان ساختگرایی که در پژوهش‌های خود به روابط بین جمله‌ای متن با عنوان انسجام متنی پرداخته مایکل هلیدی است. بر اساس نظریه هلیدی، درجه انسجام ممکن است کم یا زیاد باشد، ولی نکته مهم این است که یک گفتار، زمانی متن نامیده می‌شود که هم انسجام صوری و هم پیوستگی معنایی را داشته باشد. هلیدی انسجام را نشأت گرفته از عناصری قلمداد می‌کند که جزء نظام زبان هستند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۳۰). زبان‌شناسی نقش‌گرا، یکی از سه نگرش مسلط زبان‌شناسی نظری، یعنی صورت‌گرا، نقش‌گرا و شناختی است که هر یک از این سه نظریه به نحوی در جست‌وجوی ایجاد سازوکاری مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته یا متن با کارکردهای فکری - اجتماعی (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) و به عبارتی تحلیل گفتمانی متن بوده‌اند که نخستین بار در سال ۱۹۵۲م توسط زلیگ هریس (Zellig Harris) زبان‌شناس آمریکایی، به کار رفت (باغینی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶). این نظریه به «دستور نظام‌مند نقش‌گرا» شهرت یافته است؛ چراکه معنا را اساس قرار می‌دهد. یک دستور است، چون تعبیری معنایی از صورت‌های زبانی به دست می‌دهد و نظام‌مند است؛ زیرا شبکه‌ای در هم تنیده از انتخاب‌های معنایی و دستوری است (مجیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۶) و سخنگویان زبان در هر موقعیتی که زبان را به کار می‌گیرند، دست به یک انتخاب می‌زنند، انتخابی که بر پایه معناست و در قالب مشخصه‌های صوری زبان ظهور می‌کند (هلیدی، ۱۹۸۵: ۴۱).

هلیدی نظام معنایی زبان را به تعدادی مؤلفه مجزا یعنی انواع توازن معنایی تقسیم می‌کند که در ارتباط با فراکارکردهای اندیشگانی، بینافردی و متنی قرار دارند؛ در سطح اندیشگانی، زبان باز نمود رخدادها، احساسات و واقعیات زندگی روزمره است که از طریق فرایندهای فعلی و مشارکین فرایند قابل بررسی است. فرانقش بینافردی، کارکرد ارتباطی و چگونگی تعامل متن با خواننده و روند دادن اطلاعات و یا درخواست گوینده را به واسطه وجوه خبری، امری و پرسشی برعهده دارد و اما فراکارکرد متنی، کاربرد زبان برای تولید متون گفتاری و نوشتاری است و در پی کشف روابط حاکم بر اجزای تشکیل دهنده یک متن است که انسجام متن را

خوانشی نو از خطبه جهادیه امام علی (ع) براساس نظریه ... (پیمان صالحی) ۱۷۳

فراهم می‌آورند (هلیدی، ۱۹۹۴م: ۴۶). در این فراکارکرد، سخن از مفهوم به میان می‌آید که تا چه میزان بند و نوع چینش بندهای متن به شکل‌گیری متن یاری می‌رساند. در حقیقت فراکارکرد متنی از این مسئله سخن می‌گوید که چه چیزی چگونه گفته می‌شود، یعنی گوینده چگونه خواننده را به سمت ادراک روابط میان بندها سوق می‌دهد.

هلیدی روابط میان بندها را به دو رابطه بیرونی و درونی تقسیم می‌کند؛ سطح بیرونی به عوامل انسجام بخش گفته می‌شود، این عناصر پاره‌های مختلف متن را به هم پیوند می‌زند و به درک بهتر متن کمک می‌کند و عبارتند از ارجاعات درون‌متنی و برون‌متنی، حذف، جایگزینی، تضاد، هم‌معنایی و تکرار، اما روابط درونی متن به ساختار موضوعی و اطلاعاتی متن، اطلاق می‌شود (روبینز، ۱۳۹۳: ۳۱۸) که واژگان آغازگری- پایانی، نشان‌داری- بی‌نشانی و اطلاع‌دهندگی آن‌ها را در گفتمان، مورد توجه قرار می‌دهد.

هلیدی مکانیسم فرا نقش متنی را بر چگونگی ترتیب و آرایش اطلاعات اندیشگانی و بینافردی که در بند آمده‌اند، به دو ساخت «مبتدا- خبری» و ساخت «اطلاعاتی» و یک بخش غیرساختاری «انسجام» تقسیم می‌کند (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۶). منظور از فرانش متنی یا هم‌بافت این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جمله‌ها و کلمات قبل و بعد آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور نقش و معنای آن دارد. ساخت آغازگری، میزان و چگونگی ساختار بخشیدن به اطلاعات از سوی گوینده، ساخت اطلاعاتی میزان آشنا یا ناآشنا بودن آن را نزد گیرنده و انسجام، چینش واژگان متن را بررسی می‌کند. (هلیدی، ۱۹۹۴: ۶۳) هلیدی سه نقش عمده را برای زبان قائل می‌شود:

الف: نقش محتوایی یا مقصودی: به بیان محتوا در دو بخش تجربی و منطقی می‌پردازد.

ب: نقش اجتماعی یا بین شخصی: هدفش تعیین نوع روابط حاکم میان مخاطب و متکلم، میزان آشنایی و درجه صمیمیت آن‌ها و... است.

ج: نقش متنی: نقش یک متن منسجم ساخته شده از چند جمله را از چند جمله نامربوط و پراکنده مشخص می‌کند. علاوه بر آن، نظام داخلی جمله و آرایش عناصر سازنده آن را تعیین می‌کند. این نقش، خود به دو بخش ساختاری و غیرساختاری تقسیم می‌شود.

۲. تحلیل فراکارکرد متنی در خطبه جهادیه امام علی (ع)

همان‌طور که اشاره شد، رویکرد فراکارکرد متنی، شامل دو بخش اصلی ساختاری و غیرساختاری است که وضعیت آن‌ها را در خطبه مذکور، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱.۲ بخش ساختاری

در این بخش، مبحث آغازگری و پایانی مطرح می‌شود که معادل تقدیم و تأخیر در علوم بلاغی و کارکردهای آن است. مبتدا از نظر هلیدی عنصر آغازین جمله است که از جهت روان‌شناختی و ادراکی دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا موضوع اصلی و مهم پیام است و باقیمانده پیام یا همان خبر نیز درباره او است (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۸). «آغازگری مربوط به چگونگی بیان عناصر زبانی نبوده، بلکه به چگونگی ساختار بند، مربوط است.» (عرب‌زوزنی و پهلوان‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۲). از نظر هلیدی، آغازگر باید نقشی تجربی داشته باشد و معادل الگوی جملات این زبان باشد، به این صورت که در جمله اسمیه، مبتدا و در جمله فعلیه، فعل، آغازگر ساده و تجربی محسوب می‌شوند. هر گونه خروج از آغازگر تجربی به بینافردی، موجب آن می‌شود که ساخت جمله به آغازگر «نشان‌دار» و مرکب تبدیل شود. آغازگر بینافردی معنای اجتماعی و ارزیابی‌گوینده را به آغازگان کلام اضافه می‌کند و در زبان عربی شامل آغازگر ندایی و عنصر وجهی (باید، شاید، متأسفانه، احتمالاً، واقعاً و...) است که پیش از آغازگر تجربی قرار می‌گیرد. آغازگر ساختاری حروف و واژگان ربطی هستند که بندهای مختلف را در یک متن به هم پیوند می‌زنند و می‌توانند در کنار مبتدای تجربی، آغازگری مرکب تشکیل دهند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۶۱-۶۲). پس از جدا کردن عنصر آغازگر، آنچه که در بند باقی می‌ماند، عنصر پایانی است. در جدول زیر، برای نشان دادن اجزاء اصلی بند از منظر فراکارکرد متنی، دو بند از خطبه جهاد آورده شده و در آن، عنصر آغازگر و پایانی، مشخص گردیده است:

| بند | فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ | وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لِيَلَأَ وَتَهَاراً |
|---------------------------------------|---|---|
| اجزاء اصلی بند از منظر فراکارکرد متنی | آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی) (ف + إن + الجهاد) پایان: بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ | آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) (إن + ي) پایان: قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لِيَلَأَ وَتَهَاراً |

با بررسی دقیق متن متوجه می‌شویم در این خطبه هر یک از ادات پیوندی، فعل و فرایند تجربی و مبتدای نحوی در جایگاه عنصر آغازین بند قرار گرفته‌اند و مانند واژگان هسته‌ای

هستند که پیام اصلی را در دل خویش قرار داده‌اند و عنصر پایانی در مورد آن خبر می‌دهد. لازم به ذکر است که اغلب ۹۹ بند خطبه مذکور دارای آغازگر مرکب است. چنین انتخابی علاوه بر ایجاد پیوستگی در متن، باعث حفظ و یا امتداد موضوع شده و در مواردی نیز زمینه‌ساز فهم و تفسیر بندهای بعدی، می‌شود.

۲.۲ بخش غیرساختاری

این بخش شامل انسجام متن، یعنی ارجاع، جانشینی، حذف، انسجام واژگانی و پیوندی است. «کلّیه روابط عناصر تشکیل دهنده اثر با یکدیگر و ارتباط ذاتی میان همه عناصر اثر ادبی و هنری که تمامیت و کلیت آن اثر را در بر می‌گیرد و به آن انسجام و یکپارچگی می‌بخشد ساختار اثر نامیده می‌شود.» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۶) در این قسمت، مهمترین عوامل انسجام متن، در خطبه مذکور، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲.۲ ارجاع

هلیدی معتقد است که در متن، عناصری وجود دارند که تحت تأثیر سایر عناصر هستند. از جمله این عناصر، ضمائر است که با مراجع خود تفسیر می‌شوند و این مرجع ضمیر ممکن است در متن باشد یا نباشد که این ارجاع با توجه به بودن و نبودن مرجع به دو بخش تقسیم می‌شود: ارجاع برون‌متنی و ارجاع درون‌متنی.

۱.۱.۲.۲ ارجاع برون‌متنی (موقعیتی)

در ارجاع برون‌متنی که بدان ارجاع موقعیتی هم گفته می‌شود، مرجع ضمیر، خارج از متن قرار دارد؛ برای مثال اگر بخواهیم بگوییم «آن را برایم بیاور»، در این جمله امکان دارد منظور ما اشاره به یک کتاب باشد که در دست مخاطب قرار دارد که ارجاع برون‌متنی به عنوان عنصری از عناصر انسجام متن محسوب نمی‌شود؛ زیرا مرجع ضمیر خارج و بیرون از متن است (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹).

در خطبه جهاد نهج البلاغه، این گونه ارجاع، کاربرد داشته است: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا». ترجمه: (بدانید که من شب و روز و نهار و آشکار، شما را به جنگ این قوم دعوت کردم).

در این جملات مرجع ضمیر «هُؤُلَاءِ الْقَوْمِ» لشکریان معاویه است و کسانی که به شهر انبار حمله کردند.

۲.۱.۲.۲ ارجاع درون‌متنی

یکی از پرکاربردترین انواع ارجاع‌ها در این خطبه ارجاع درون‌متنی است. در جملات بسیاری، مرجع ضمیر در جملات ماقبل و مابعد برمی‌گردد. با توجه به وصف وسیع و گسترده اتفاقات، مکان‌ها، شخصیت‌ها و ارجاع‌های پی‌درپی و پشت سر هم، این عامل یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد انسجام متن در این کتاب است. ارجاع در متن خطبه موجب پیوند جملات و پاره‌گفتارها شده است (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰) همانطور که بیان شد ارجاع درون‌متنی به دو صورت ارجاع به ماقبل و ارجاع به مابعد انجام می‌پذیرد:

الف) ارجاع به ماقبل

در این نوع از ارجاع، برای پی‌بردن به مرجع ضمیر و قصد و منظور نویسنده باید به عنصرهای قبل از ضمیر رجوع شود. اکثر ارجاع‌ها (بیش از ۲۰ مورد) در این خطبه از این نوع است؛ مانند: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» (پس از حمد خدا، جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء خاص خود، گشوده است).

در این عبارت، مرجع ضمیر «ه»، به ترتیب «باب» و «الله» است.

ب) ارجاع به مابعد

این نوع ارجاع، بسامد کمی در این خطبه از نهج‌البلاغه دارد. همان‌گونه که گفته شد، در این نوع ارجاع، مرجع ضمیر پس از آن قرار می‌گیرد:

«هَذَا أَخُو غَامِدٍ وَقَدْ وَرَدَتْ حَيْلَةُ الْأَنْبَارِ» (این مرد غامدی، لشکرش وارد شهر انبار

شده است).

در این عبارت، هم ارجاع درون‌متنی وجود دارد هم ارجاع برون‌متنی. مرجع ضمیر «هذا»

در جمله مابعد (اخو غامدی) قرار دارد (برون‌متنی) و مرجع ضمیر «ه» به أخو غامد برمی‌گردد (درون‌متنی).

۲.۲.۲ جانشینی

یکی دیگر از عوامل انسجام متن و ابزارهای انسجامی جانشینی است. منظور از جانشینی این است که یک عنصر در جای عنصر زبانی دیگر بنشیند، یعنی امکان دارد که کلمه یا عبارتی جانشین عبارت، کلمه و یا یک بند یا بخشی از متن در متن شود (امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲). در خطبه جهاد، جانشینی بندی وجود دارد. در جانشینی بندی یا موضوعی یک کلمه یا یک عنصر، جانشین یک بند یا یک پاراگراف می شود؛ مانند: «فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا». ترجمه: (اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست).

در این عبارت، «هذا» جانشین داستان حمله به خانه بیوه زن یهودی شده که قبل از آن، آمده است.

در عبارت: «كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ» ترجمه: (همه این بهانه‌ها برای فرار از گرما و سرماست)، کلمه «هذا» جانشین دلایل سرپیچی لشکریان امام (ع) از حمله به دشمن شده است.

۳.۲.۲ حذف

حذف، از عوامل اساسی انسجام متن است. «وقتی ذکر عضو و اجزایی از جمله به دلیل وجود قرینه لزومی نداشته باشد، مسلم است که کاربرد آن عضو به سلاست و روانی کلام خدشه وارد می‌سازد» (شفایی، ۱۳۶۳: ۱۹۰-۱۸۹). حذف، نیارودن واژه، جمله یا بخشی از جمله و یا قسمتی از کلام در متن است، به گونه‌ای که مخاطب بتواند با توجه به قرائن لفظی و معنوی، عنصر یا عناصر محذوف را دریابد، البته این امر (فهم عناصر محذوف) تا حد زیادی به دانش مخاطب و اطلاعات مشترک نویسنده و مخاطب مربوط می‌شود. واضح است که در هر متنی حذف وجود دارد و ما در تمام گفته‌ها و نوشته‌های خود ناگزیر از حذف هستیم (امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳)؛ زیرا سیاق کلام و مفهوم کلی جمله و عبارت، موجب آن می‌شود که واژه یا واژه‌هایی حذف شوند. (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۷۵: ۳۱۶).

از نظر هلیدی حذف، یک پدیده نحوی و روشی برای جلوگیری و اجتناب از حشو در کلام است. به اعتقاد او آن عنصری که از کلام حذف شده در ساختار متن، رد پای از خود به جا می‌گذارد تا خواننده تلاش کند به کمک اطلاعات حاصل شده از سایر بخش‌های متن، عنصر یا عناصر حذف شده را بیابد. بنابراین، مطلب حذف شده (به هر روش لفظی، معنوی یا

عرفی) قابل درک و فهم هستند. کاربرد حذف در کلام، در واقع، نوعی واضح کردن به اجزایی از کلام و جلب توجه خواننده به اطلاعات نو و دارای نقش و از بین بردن اطلاعات کهنه و بی‌نقش است (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴) در خطبه جهاد از نهج البلاغه گونه‌های مختلفی از حذف به چشم می‌خورد:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ...» در این جمله حمد و ستایش خداوند با هر مضاف الیه دیگری که می‌تواند داشته باشد حذف شده است.

آغاز خطبه به شیوه معمول خطیبان عصر جاهلی، با عبارت مشهور «أَمَّا بَعْدُ» شروع شده است که این شیوه، دال بر نام خداوند و حمد الهی و صلوات بر پیامبر (ص) قلمداد می‌شود؛ زیرا هر کلامی با حمد و ستایش خداوند شروع نشود از نظر خطبا «ابتر» است. (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۱/ ۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۵۰۴).

«پس، به تحقیق که جهاد، دری است از درهای بهشت» یعنی جهاد، سبب ورود به بهشت، است؛ خواه جهاد با کافران و منافقان باشد که جهاد اصغر است یا با نفس و شیطان که جهاد اکبر است (سید رضی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۰۱).

در دو عبارت: «فَإِذَا أَمَرْتُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَارَةٌ الْقَيْظِ.» ترجمه: (اگر در تابستان، شما را دعوت به جهاد آنان کنم می‌گویید: هوا گرم است).

«وَإِذَا أَمَرْتُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرِّ.» ترجمه: (و اگر در زمستان شما را برای نبرد با آنان، بخوانم می‌گویید: هوا سرد است).

بعد از کلمه «هذه» واژه «الأيام» به قرینه لفظی حذف شده است.

نویسنده با استفاده از حذف و با مهارت و هنرمندی کلام خود را منسجم، یکپارچه و متوالی به مخاطب عرضه کرده است.

۴.۲.۲ عناصر انسجام واژگانی

عناصر انسجام واژگانی، شامل تکرار و باهم‌آیی است.

۱.۴.۲.۲ تکرار

از جمله، عوامل انسجام متن، تکرار است. «در این عامل انسجام، عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شوند.» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸) و اصطلاح تکرار یعنی از

خوانشی نو از خطبه جهادیه امام علی (ع) براساس نظریه ... (پیمان صالحی) ۱۷۹

سرگیری عنصری که یک بار در متن پسین آمده است. تکرار برخی واژه‌ها اهمیت آن‌ها را در ساخت معنایی نشان می‌دهد و بر محوریت آن‌ها در متن تأکید می‌کند. در بسیاری از موارد، تکرار جنبه کاربرد شناختی و بلاغی دارد که در حوزه بلاغت عربی به تفصیل بدان پرداخته شده است. (نقل از پروینی و نظری، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۱). کاربرد این عامل انسجام متن، در نهج‌البلاغه بسامد بالایی دارد و شامل موارد زیر می‌شود:

الف) تکرار موسیقایی

خطبه جهاد با تکرار آوایی یا همان موسیقایی و تقارن لفظی، موازنه، مماثله، تضمین المزدوج و ترصیع به نقطه اوج خود می‌رسد:

«يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَلَا تُغَيِّرُونَ، وَتُغَزُونَ، وَلَا تَغْزُونَ، وَيُعْصَى اللَّهُ وَتَرْضُونَ.» ترجمه: (آنان شما را غارت کردند و شما چیزی به دست نیاوردید، جنگیدند ولی شما نجنگیدید).

همان طور که مشاهده می‌شود بین کلمات «يُعَارُ» و «تُغَيِّرُونَ» جناس اشتقاق و بین «تُغَزُونَ» و «تَغْزُونَ» جناس اختلافی وجود دارد.

امام علی(ع) در چند جمله کوتاه، با استفاده از استمرار تجددی، افعال مذکور را به صورت شلاق‌های پی‌درپی بر سر کوفیان فرود می‌آورد تا شاید اندکی آنان را بر سر غیرت آورد: «يُعَارُ عَلَيْكُمْ» «وَلَا تُغَيِّرُونَ»، «وَتُغَزُونَ»، «وَلَا تَغْزُونَ»، «وَيُعْصَى اللَّهُ» «وَتَرْضُونَ».

ب) تکرار صامت

«فَلَوْ أَنَّ أُمَّرَأَ مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا.» در این عبارت، حرف صامت «الف»، چندین بار تکرار شده است تا حزن و اندوه خود را بر ماجرای پیش آمده، نشان دهد.

این عناصر هم موجب آرایش کلامند و هم برخی معانی دیگر را نیز به ذهن مخاطب القا می‌کنند. از نظر هلیدی، عملکرد زبان، اول صوری و روساختی است و در پایان، ژرف‌ساختی می‌شود و به ساخت معنایی زبان تعلق می‌گیرد. تکرار که شامل تکرار کلمات و تکرار حروف است، نقش بسزایی در خوش‌آهنگی شعر دارد و از نظر سبکی نیز، یکی از عوامل سبک‌ساز است (عبدالله، ۲۰۰۲: ۹۸).

ج) تکرار عین واژه

در خطبه جهاد، تکرار واژه نیز به چشم می‌خورد از جمله:

«فَيَا عَجَبًا! عَجَبًا!»

واژه «والله» هم ۴ بار برای ادای سوگند، تکرار شده است.

امام (ع) برای تأیید مطلب قبلی و سرزنش کوفیان، با شگفتی ناله سر می‌دهد. کلمه «عجبا» را به صورت نکره بیان فرموده تا چنان وانمود کند که گویا امر مورد تعجب، مشخص و معین نیست و با «ندا» حضور یافته و آن را تکرار فرموده است تا شدت امر را بیان کند (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۸۰/۲).

د) تکرار واژه مترادف

از جمله روش‌هایی که در بدیع لفظی، موسیقی کلام را بوجود می‌آورد و یا افزون می‌کند، تکرار واژه‌ها یا جملات مترادف است. (شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۷) این نوع از تکرار، بسیار فراوان‌تر از تکرار عین خود واژه، در متن وجود دارد و از عوامل اصلی در اتصال جمله‌ها و بندهای کلام است. در خطبه جهاد و همچنین متن‌هایی که در آن‌ها حوادث و یا داستان‌هایی نقل می‌شود که از نظر درونمایه و هدف با هم اشتراک دارند، این نوع تکرار بسامد بالایی دارد. برای نمونه:

«هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةَ، وَجُنَّةُ الْوَيْثِقَةِ.» ترجمه: (جهاد، جامه پرهیزگاری، زره استوار و سپر مطمئن خداست).

در این فراز از خطبه، واژه «درع» با «جُنَّة» و واژه «الْحَصِينَةَ» با «الْوَيْثِقَةَ» مترادفند.

«درع الله» یعنی «زره الهی»، (بعلبکی، ۱۳۹۲: ۵۰۸)، حضرت، جهاد را زرهی الهی در نظر گرفته که از مسلمانان محافظت می‌کند.

در اصطلاح «جُنَّةُ الْوَيْثِقَةِ» به معنای «سپر محکم الهی»، (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲۹/۲) است. خداوند به عنوان انسانی در نظر گرفته شده است که سپر دارد.

حضرت، جهاد را به «زره محکم» و «زره مطمئن» تشبیه کرده است. قصد ایشان این بوده است که قوم و ملتی که جهاد را ترک کند در برابر ضربات دشمن، بسیار ناتوان و آسیب‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۳۱/۲، خوئی، ۱۳۴۴: ۳/۳۹۵).

«فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ وَشَمْلَةَ الْبَلَاءِ، وَدَيْثَ الْبَلْغَارِ وَالْقَمَاءِ، وَضُرْبَ عَلِيٍّ قَلْبِهِ بِالْأَسْهَابِ وَأَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ، وَسِيمَ الْخَسْفِ، وَمُنْعَ النَّصْفِ» ترجمه: (هر کس آن

را از باب بی‌اعتنایی ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند و غرق بلا نماید و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید، بر دلش پرده‌های بی‌عقلی زده شود و در برابر ضایع کردن جهاد، حق از او گرفته شود و محکوم به ذلت و خواری شود و محروم از انصاف گردد).

لفظ «القماء» به معنای «حقارت و پستی» است. کاربرد مقصور این لفظ «القما» خطاست؛ هر چند که راوندی آن را با قصر، روایت کرده است (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۳۱ / ۲) و لفظ «إسهاب» به معنای «از بین بردن خرد و اندیشه» است. هر چند که این واژه از نظر برخی به معنای «زیاده‌گویی» هم آمده است؛ گویی که کلام ترک کنندگان جهاد به سبب زیاده‌گویی، در نظر دیگران بی‌اعتبار جلوه‌گری می‌کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۷۷ / ۲).

واژه «خَسَف» در زبان عربی به معنای «زیونی و تحمیل کاری بر انسان است.» (ابن سیده، ۲۰۰۰: ۸۴) و لفظ «مُنْعُ النَّصْفِ» به مفهوم محروم شدن از عدالت است. دلیل این معنا روشن است؛ زیرا طرفداران عدالت، غالباً در اقلیت هستند. به همین دلیل، سلطه‌گران سودپرست، تا آنجا که به اصطلاح، کارشان بُرَد، پیش می‌روند و حقوق ملت‌های مظلوم را پایمان می‌کنند و پیوسته بر مال و جاه و جلال خود می‌افزایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۴۱ / ۲).

در فراز مذکور، تقریباً تمامی عبارات مشخص شده، یک معنا را می‌رساند و همه از آثار منفی فرار از جهاد در راه خداست.

در عبارت: «لَقَدْ مَلَأْتُ قَلْبِي قَيْحًا، وَشَحَنْتُ صَدْرِي غَيْظًا، وَجَرَعْتُ مَوْنِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا»

ترجمه: (دلم را پر از خون کردید و سینه‌ام را مالا مال خشم نمودید و پی در پی جرعه اندوه به کامم ریختید)، هر سه جمله، یک معنا را می‌رساند. تکرار جملات هم‌معنی، نشان از آن دارد که ارتباط معنایی و پیوستگی و یکپارچگی و یکدست بودن در متن خطبه وجود دارد.

حضرت برای نشان دادن اوج خشم خود از فعل «شَحَنَ» به معنای «پر کردن» (سِّيَاح، ۲۰۱۳: ۷۵۰)، استفاده کرده است و «جَرَعَ تَجْرِيعًا الْمَاءَ» به معنای «آب را جرعه‌جرعه به او نوشانید» (همان: ۱۹۴) است که حضرت غم را ماده مایعی در نظر گرفته که جرعه‌جرعه در کامش ریخته می‌شود.

۲.۴.۲.۲ باهم‌آیی

منظور از باهم‌آیی یا همایش، با هم آمدن کلمه‌های مربوط و مرتبط با هم است، یعنی آن کلمات که از نظر معنای انفرادی یا عرف زبانی با هم سنخیت دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند. این همان چیزی است که در بدیع‌البدان، مراعات نظیر و یا تناسب می‌گویند. با هم آمدن واژگان

در سطح کلام، موجب آن می‌شود که کلام پیوستگی و انسجام داشته باشد (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۶).

در خطبه جهاد، مواردی از این دست به چشم می‌خورد که از عوامل تأثیرگذار در ایجاد ارتباط بین جملات بوده است. مانند: «فَيَسْتَرْجِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُعْتَهَا مَا تَمْتَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْحَامِ» ترجمه: (و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره او رابه یغما برده و آن بینوا در برابر آن غارتگر جز کلمه استرجاع و طلب دلسوزی راهی نداشته است).

واژه «استرجاع» در نزد مفسران نهج البلاغه، به دو معنا تفسیر شده است: نخست به «گریه و زاری که توأم با هق‌هق و رفت و آمد صدا در گلو» و دیگر، گفتن عبارت «الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) که معمولاً در مصائب سخت، آن هنگام که کاری از دست انسان ساخته نیست، گفته می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به متن حماسی امام(ع)، جالب این است که تجاوز به حریم و گرفتن زینت‌آلات زنان مسلمان و غیرمسلمان و هتک احترام آنها، در یک ردیف شمرده شده و نشان می‌دهد که اولاً اسلام تا چه حد برای ناموس مردم اهمیت قائل است و ثانیاً تا چه اندازه خود را متعهد به دفاع از اقلیت‌هایی می‌داند که در پناه اسلام، زندگی می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۵۲/۲).

ارزش ادبی اتحاد و تناسب لفظ و معنا در کلام به گونه‌ای است که هم در ساخت و بافت اصلی جمله، دو مؤلفه «لفظ» و «معنا» نقش محوری دارند و به ایفای نقش می‌پردازند (مختاری و هادی فرد، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

در عبارت مذکور، بین واژه‌های «حِجْلَ» (خلخال)، «قَلْبَ» (دستبند)، «قَلَائِدَ» (گردنبند) و «رُعْتًا» (گوشواره)، مراعات نظیر وجود دارد.

۵.۲.۲ عناصر انسجام پیوندی (معنایی و منطقی)

باید در نظر داشته باشیم که خلق و آفرینش یک متن، بدون وجود ارتباط معنایی و منطقی جملات، کاری است غیر ممکن. در نظریه هلیدی، همین عامل، بندها و پاره‌گفتارها، عامل اصلی و مهم انسجام و یکدست بودن متن است. به این نوع از رابطه، «انسجام پیوندی» گفته می‌شود. انسجام پیوندی در متن، با عامل‌های ربط شکل می‌گیرد. عوامل ربط، وسایلی هستند که موجب پیوند جمله‌های متن می‌شوند. این عوامل، در آغاز و یا میان دو جمله مستقل قرار می‌گیرند و گاهی نیز رشته‌های وسیع‌تر از جمله، مثل دو بند یا پاره متن را به هم مربوط می‌کنند

خوانشی نواز خطبه جهادیه امام علی (ع) براساس نظریه ... (پیمان صالحی) ۱۸۳

(امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۶). در انسجام بخشی عوامل شرط ربط این است که در آغاز یا بین دو جمله مستقل به کار بروند؛ به دیگر سخن، عواملی ربطی که جمله های پیرو را به جمله های پایه وصل می کنند، خاصیت انسجام بخشی ندارند. هلیدی معتقد است، این عوامل به چهار دسته تقسیم می شوند: (۱) رابطه اضافی، (۲) رابطه تقابلی یا خلاف انتظار، (۳) رابطه علی یا سببی، (۴) رابطه زمانی (نوروزی و غلامحسین زاده، ۱۳۸۸: ۱) که به شرح هر کدام از آنها می پردازیم:

۱.۵.۲.۲ ارتباط اضافی

به صورت کلی، در این نوع رابطه، جمله، مطلب و معنا یا توضیحی بر جمله پیشین اضافه می کند و شامل چهار گونه توضیحی، تمثیلی، تشبیهی و مقایسه ای می شود:

الف: ارتباط اضافی توضیحی

در ارتباط توضیحی، نویسنده، شرح یا توصیف یا توضیحی را به جمله قبل اضافه می کند. در این خطبه شاهد نمونه های ارتباطی و توضیحی هستیم:

«...وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْآخِرَى الْمُعَاهَدَةَ، فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقُلُوبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُعْتَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْحَامِ.»

این بخش در خطبه جهاد در توضیح بیشتر داستان قبل تر آمده است و عمق فاجعه را در این جمله توضیح می دهد.

ب) ارتباط تمثیلی

این رابطه، مطلب قبلی را با تمثیلی، توضیح و تفسیر بیشتری می دهد. برای نمونه: «...فَقُبْحًا لَكُمْ وَتَرَحًّا حِينَ صِرْتُمْ غَرَضًا يُرْمَى.» (پس رویتان زشت و قلبتان غرق غم باد که خود را هدف تیر دشمن قرار دادید).

در این عبارت، جمله «صِرْتُمْ غَرَضًا يُرْمَى» ترجمه: (خود را هدف تیر دشمن قرار دادید)، تمثیلی است برای جملات قبلی.

ج) ارتباط تشبیهی

ابوهلال عسکری (ف ۳۲۵ ق) می‌گوید: «قدما و شاعران جاهلیت عرب به فضیلت و شرف تشبیه در همه زبان‌ها اقرار کرده‌اند، تشبیه روشنی معنا را می‌افزاید و بر آن تأکید می‌کند.» (نک: فتوحی، ۱۳۸۹: ۹۰-۸۹). امام علی (ع) نیز از همان ابتدای خطبه، از این ظرفیت ویژه تشبیه بهره برده است:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ... هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةَ، وَجُنَّةُ الْوَيْفَةِ.» ترجمه: (پس از حمد خدا، جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء خاص خود گشوده، جهاد جامه پرهیزگاری، زره استوار، و سپر مطمئن خداست).

تشبیه جهاد به «باب من أبواب الجنة»، «لباس التقوی»، «درع» و «جُنَّة»

آن حضرت در ادامه، چنین می‌فرمایند:

«فَمَنْ تَرَكَهُ رَعْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَةَ الذُّلِّ» ترجمه: (هر کس آن (جهاد) را از باب بی‌اعتنایی

ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند).

«الذُّلُّ» (خواری) را به «ثوب» لباسی تشبیه کرده که سراسر وجود انسان را می‌پوشاند.

ابن میثم در توضیح منظور حضرت نوشته است: «برای تشبیه، فراگیری همه جانبه خواری و ذلت، بدان سان که جامه، بدن را از همه سو می‌پوشاند، بالای دشمن از همه سو، تارکان جهاد را فرا می‌گیرد و خواریان می‌گرداند و خرد آنان را در مصلحت اندیشی کارشان زایل می‌سازد.» (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲ / ۳۰).

«يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالًا! حُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَعُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ» ترجمه: (ای نامردان مردنما،

دارندگان رؤیاهای کودکانه، و عقلهایی به اندازه عقل زنان حجله نشین).

تشبیه لشکریان خود به شبه مرد، رؤیاهای کودکانه و انسان کم عقل، مانند زنان حجله نشین.

نفوذگذاری یا استفاده از فنون اثربخش برای متقاعد کردن دیگران و به عبارتی برانگیختن

هیجان‌ات افراد گروه را که اولین بخش از قابلیت‌های اجتماعی است، در این قسمت از فرمایشات امام علی (ع) به وضوح می‌بینیم. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۷).

د) ارتباط مقایسه‌ای

مقایسه موجب درک بهتر، دقیق‌تر و روشن‌تر مضامین می‌گردد. امام علی (ع) از این شگرد نیز به وفور بهره برده است:

مقایسه میان کسانی که جهاد می‌کنند با آن‌هایی که از این فریضه سرباز می‌زنند: «فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ وَشَمَلَهُ الْبَلَاءُ، وَدِيَّتَ الْبَصَّارِ وَالْقَمَاءَ، وَضُرْبَ عَلِيٍّ قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ، وَأَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ، وَسِيمَ الْخُسْفِ وَمُنْعَ النَّصْفِ.» (هر کس آن را از باب بی‌اعتنایی ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند و غرق بلا نماید و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید، بر دلش پرده‌های بی‌عقلی زده شود و در برابر ضایع کردن جهاد حق از او گرفته شود و محکوم به ذلت و خواری، و محروم از انصاف گردد).

لفظ «رغبه عنه» به معنای رویگردانی است و «دیت» یعنی خوار شده؛ واژه «الدیوث» در معنای «بی‌غیرت» از همین ریشه است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۰۵). نویسنده مجمع البحرین معتقد است که «الدیوث»، یعنی کسی که محارمش وی را خوار و ذلیل گردانند، به طوری که چشم خود را بر فسق و فجورشان ببندد (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۲۵۴)، هر چند بهتر است که این لفظ را در معنای استعاری (استعاره تبعیه) تفسیر کنیم؛ چرا که واژه «جمل مدیث» به معنای «خوار شدن» زمانی است که صعوبت و استواری و سختی جسمش از بین برود (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۳/۲۱۳).

مقایسه میان کسانی که به موقع به دشمن هجوم می‌برند با کسانی که از این کار امتناع می‌کنند: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا، وَسِرًّا وَإِعْلَانًا، وَقُلْتُ لَكُمْ: اغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شَنَّتْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ، وَمَلِكْتَ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانُ.» (بدانید که من شب و روز و نهان و آشکار، شما را به جنگ این قوم دعوت کردم. به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از اینکه با شما بجنگند. به خدا قسم هیچ ملتی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه ذلیل شد، اما شما مسئولیت جهاد را به یکدیگر حواله کردید و به یاری یکدیگر برنخاستید تا دشمن از هر سو بر شما تاخت و شهرها را از دست شما گرفت).

مقایسه کسانی که بر ناحق توافق و اتحاد دارند با کسانی که در حق، متفرق هستند و اتحادی ندارند: «وَاللَّهِ - يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيَجْلِبُ إِلَيْهِمْ مِنَ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ، وَتَفَرُّقِكُمْ

عَنْ حَقِّكُمْ!» ترجمه: (به خدا سوگند که اجتماع اینان بر باطلشان و پراکندگی شما از حقتان، دل را می‌میراند).

مقایسه میان لشکریان حضرت با دشمن: «يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَلَا تُغَيِّرُونَ، وَتَغْرُونَ، وَلَا تَغْرُونَ، وَيُعَصِي اللَّهُ وَتَرْضُونَ» ترجمه: (آنان شما را غارت کردند و شما چیزی به دست نیاوردید، جنگیدند ولی شما نجنگیدید، نافرمانی خدا می‌شود و شما رضایت می‌دهید).

۲.۵.۲.۲ ارتباط تقابلی خلاف انتظار

در این نوع از ارتباط، رابطه جمله‌های قبل و بعد، رابطه‌ای برخلاف توقع و انتظار مخاطب است. با این نوع از ارتباط، مطالب برای مخاطب برجسته‌تر و موجب جلب توجه بیشتر او به متن می‌گردد. در متون ادبی، برای تأثیر هرچه بیشتر اثر در ذهن مخاطب، می‌توان از این نوع ارتباط استفاده نمود. این نوع از ارتباط غالباً با نشانه‌های متنی «ولی، ولیکن، اما، اگرچه، هرچند، علی‌رغم و باوجود آنکه و...» همراه است (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۶) همچنین استعاره تهکمیّه نشان از ارتباط خلاف انتظار بین جملات دارد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۵۵) و با بهره از محتوای متن می‌توان به چنین ارتباطی پی برد؛ برای نمونه:

إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ، وَلَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ. اللَّهُ أَبُوهُمْ! وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا، وَأَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي! لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ، وَهَا أَنَا ذَا قَدِّ ذَرَفْتُ عَلَى السَّيِّئِينَ! وَلَكِنْ لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ!

ترجمه: (پسر ابوطالب شجاع است ولی دانش جنگیدن ندارد. خدا پدرانشان را جزا دهد، آیا هیچ کدام آنان کوشش و تجربه مرا در جنگ داشته؟ و پیشقدمیش از من بیشتر بوده؟ هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بودم که آماده جنگ شدم، اکنون عمرم از شصت گذشته، ولی برای کسی که اطاعت نشود تدبیری نیست).

که در فراز، «ولکن» ارتباط تقابلی خلاف انتظار دیده می‌شود.

۳.۵.۲.۲ ارتباط سببی

در این نوع رابطه معنایی، بین جمله‌های متن، رابطه علت و معلول، مقدمه و نتیجه و یا شرطی برقرار می‌شود. «پیوند سببی، مبتنی بر سبب و نتیجه‌ای است که جملات متن ایجاد می‌کنند و بیش از هر پیوند دیگری، متکی بر پیوستگی معنایی است.» (نظری، ۱۳۹۲: ۴۶)؛ «ارتباط سببی

خوانشی نو از خطبه جهادیه امام علی (ع) براساس نظریه ... (پیمان صالحی) ۱۸۷

نیز شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است.» (معین الدینی، ۱۳۸۲: ۳۲۰) که بیان آن‌ها در این خطبه، می‌پردازیم:

الف) علت

در این نوع از رابطه، برخی از جملات، علت وقوع امری یا حالتی است که در جملات دیگر بیان شده‌اند. برای نمونه: «...وَلَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ!» ترجمه: (...ولی برای کسی که اطاعت نشود تدبیری نیست).

«در بخش پایانی خطبه، علی(ع)، سوابق ناصواب و آزاردهنده قوم خودش را با افعال زمان گذشته بیان می‌کند و سبب مظلومیت خودش را در آخرین بند، توضیح می‌دهد.» (عرب‌زوزنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۶)؛ امام(ع) در این عبارت، علت عدم تحقق اهدافش را پیروی نکردن از دستوراتش بیان می‌کند.

ب) نتیجه

در این نوع رابطه انسجامی، بعضی از حوادث و رویدادها، نتیجه بعضی از کارها هستند. در عبارت: «فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرِّ تَفْرُونَ؛ فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَوْرُ!» ترجمه: (پس شما که از گرما و سرما می‌گریزید پس به خدا سوگند از شمشیر گریزان‌تر خواهید بود). در این فراز، فرار از شمشیر، نتیجه گریز از گرما و سرما، بیان شده است.

ج) انگیزه و هدف

جمله یا جمله‌هایی در متن، انگیزه و هدف انجام کار در جمله‌های دیگر هستند. به عنوان نمونه: «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالًا! حُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَعُقُولُ رِبَّاتِ الْحِجَالِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكُمُ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَهُ - وَاللَّهِ - جَرَّتْ نَدْمًا، وَأَعْقَبَتْ سَدْمًا. قَاتَلَكُمْ اللَّهُ!»

در این فراز، سرپیچی لشکریان از فرمان حضرت، باعث شده که آنان را به نامرد، کودک و زنان بی‌عقل، تشبیه کند و ایشان را مورد نفرین خود قرار دهد.

حضرت(ع) پس از سرزنش شدید یارانش، آنان را به دلیل داشتن سه خصلت، نکوهش می‌کند: اول آنکه صفت مردانگی را از ایشان نفی می‌کند و آنان را به دلیل نداشتن شجاعت و عزت نفس و تعصب ناموسی، نامردانی مردنما می‌خواند. دوم آنکه آنان را از جهت کم‌خردی

به کودکانی تشبیه کرده است؛ زیرا کودکان و خردسالان بالقوه عاقل‌اند، نه بالفعل. سوم آنکه آنان را در عقل به زنان تشبیه کرده؛ چرا که کودکان و زنان از جهت نقصان و نارسا بودن اندیشه در امور کشورداری و جنگ، همسان‌اند. سپس به آنها می‌فهماند که از دیدار و آشنایی با آنها بیزار است؛ زیرا آشنایی با ایشان به علت کوتاهی آنان در دفاع از دین، سبب اندوه حضرت شد (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۸۳/۲).

د) شرط

در این حالت، وقوع و یا عدم وقوع امری در متن، بستگی به وقوع و یا عدم وقوع کار یا حالتی در جملات دیگر متن دارد. به عنوان نمونه: «فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَشَمْلَةَ الْبُلَاءِ، وَدِيَّتَ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءِ، وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْأَسْهَابِ وَأُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ، وَسِيمَ الْخَسْفِ، وَمُنِعَ النُّصْفَ»

در این فراز از خطبه، شرط به خواری نیفتادن و محروم نشدن از حق، عدم ترک جهاد، معرفی شده است.

و یا در عبارت:

لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ: إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ، وَلَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ. لَيْلَهُ أَبُوهُمْ! وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مَرَأَسًا، وَأَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي! لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعَشْرِينَ، وَهَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السَّتِينِ! وَلَكِنْ لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ!

ترجمه: (قریش گفت: پسر ابوطالب شجاع است، ولی دانش جنگیدن ندارد. خدا پدرانشان را جزا دهد، آیا هیچ کدام آنان کوشش و تجربه مرا در جنگ داشته؟ و پیشقدمی او از من بیشتر بوده است؟ هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بودم که آماده جنگ شدم، اکنون عمرم از شصت گذشته است، ولی برای کسی که اطاعت نشود تدبیری نیست).

در این فراز از خطبه، پاسخ دادن به یاوه‌گویی‌های قریش در مورد آن حضرت به اینکه او از دانش جنگی اطلاعی ندارد، بستگی به اطاعت لشکریان از آن حضرت دارد که این امر، محقق نشده است.

۴.۵.۲.۲ رابطه زمانی

رابطه زمانی، خود شامل سه نوع است که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

الف) ترتیبی

در این نوع ارتباط، رویدادها به ترتیب زمانی و به دنبال هم اتفاق می‌افتند. این رابطه زمانی توسط عواملی چون: «بعد از آن، پس از آن، سپس» جملات و بندها و پاره‌گفتارها را به هم متصل می‌کند. (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۷) به عنوان نمونه:

...وَهَذَا أَخُو غَامِدٍ وَقَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَقَدْ قَتَلَ حَسَّانُ بْنُ حَسَّانِ الْبَكْرِيُّ وَأَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ، فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُعْتَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْحَامِ. ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَأَفْرِينِ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلْمًا، وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمًا؛ فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا، بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا.

ترجمه: (این مرد غامدی است که لشکرش به انبار وارد شد، حسّان بن حسّان بکری را کشت و مرزبانان شما را از جای خود راند. به من خبر رسیده مهاجمی از آنان بر زن مسلمان و زن در پناه اسلام تاخته و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره او را به یغما برده و آن بی‌نوا در برابر آن غارتگر جز کلمه استرجاع و طلب دلسوزی راهی نداشته، آن گاه این غارتگران باغنیمت بسیار بازگشته، در حالی که یک نفر از آنها زخمی نشده و احدی از آنان به قتل نرسیده. اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست، بلکه مرگ او در نظر من شایسته است).

نشانه‌های متنی «ولقد»، «ف»، «ثم»، «من بعد هذا» و «بل»، ترتیب و پشت سر هم بودن حوادث را نشان می‌دهد.

ب) ارجاعی

در این نوع از ارتباط، محتوای جمله به حادثه و پیشامدی که در زمان گذشته اتفاق افتاده، اشاره می‌کند و ارجاع می‌دهد (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱)؛ به عنوان نمونه: «وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَالْخِذْلَانِ؛ حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قَرِيْشٌ: إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ، وَلَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ». ترجمه: (و تدبیرم را به نافرمانی و ترک یاری تباه کردید، تا جایی که قریش گفت: پسر ابوطالب شجاع است ولی دانش جنگیدن ندارد).

این نوع رابطه زمانی در جمله: «لقد قالت القریش» وجود دارد که این جمله اشاره به حال و ارجاع به قبل دارد؛ یعنی حوادث و رویدادهایی که از زمان گذشته تا کنون اتفاق افتاده است.

ج) انجامی

این رابطه همانطور که از اسمش پیداست به پایان حوادث اشاره می‌کند. این رابطه عامل ربط انجامی، پایان و سرانجام یک فرایند را در متن، مشخص می‌کند و جمله بعد از خود را به کل فرایند متصل می‌کند (علیجانی، ۱۳۷۲: ۱۰۳). عبارت: «وَلَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ»، پایان این خطبه را نشان می‌دهد و دلیل ناکامی امام(ع) را در رسیدن به اهداف خود، بیان می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل خطبه جهاد امام علی(ع) با استفاده از نظریه نقش‌گرای هلیدی، نکات معناشناسی جدیدی را درباره این خطبه ارائه داد از جمله اینکه:

از نظر کارکرد متنی تمام بندهای خطبه در ارتباط با همدیگر هستند، به گونه‌ای که اغلب ۹۹ بند خطبه مذکور دارای آغازگر مرکب است. چنین انتخابی علاوه بر ایجاد پیوستگی در متن، باعث حفظ و یا امتداد موضوع شده و در مواردی نیز زمینه‌ساز فهم و تفسیر بندهای بعدی، می‌شود.

ارجاع‌های ضمیری که اغلب آن‌ها به صورت درون متنی است، تکرار و مخصوصاً حضور قابل توجه واژگان و عبارات مترادف، در کشش و تداوم متنی آن، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. گستردگی دایره لغات آن حضرت و آشنایی با ظرفیت‌های دستوری و واژگانی زبان عربی، انسجام ویژه‌ای به این خطبه داده است. قدرت گزینش و تلفیق واژه‌ها و جمله‌ها در سخنان امام(ع) به خوبی نمایان است و عبارات خطبه، بسیار در هم تنیده و به هم مرتبط است. به گونه‌ای که انواع عناصر انسجام واژگانی و انسجام پیوندی در موارد زیادی به اتفاق و همزمان با هم در یک بند به کار رفته‌اند و متنی یکپارچه ساخته و آن را منحصر به فرد کرده است. از نظر ساختار اطلاعاتی و ترتیب عناصر محتوایی آنچه قابل توجه است بیان ارزش جهاد و مقدمه چینی برای بیان اهمیت آن است. استفاده از حروف افزایشی نیز توانسته است به خوبی بندهای مختلف خطبه را به هم مرتبط سازد.

کتاب‌نامه

نهج‌البلاغه، ترجمه حسین انصاریان (۱۳۸۸)، قم: دارالعرفان.

خوانشی نواز خطبة جهادية امام علی (ع) براساس نظرية ... (پیمان صالحی) ۱۹۱

ابن ابی الحدید المدائنی، ابو حامد عزالدین بن هبه الله بن محمد بن محمد (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، التحقیق: محمد الطناحی محمود، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن سیده، علی بن اسماعیل (۲۰۰۰م)، *المحکم و المحيط الأعظم*، تحقیق: عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب للملایین.

ابن میثم بن علی میثم بحرانی (۱۳۶۲)، *شرح نهج البلاغه*، چاپ دوم، بی جا: دفتر نشر کتاب.

احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۵)، *دستور زبان فارسی ۱*، تهران: فاطمی.

آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *نسخه معجم المفهرس*، قم: اسلامی.

امیری خراسانی، احمد و حلیمه علی نژاد (۱۳۹۴)، «بررسی عناصر انسجام متن در نفثه المصدور براساس نظریه هلیدی و حسن»، *فصلنامه متن پژوهی ادبی*، شماره ۶۳، صص ۷-۳۱.

باغینی پور، مجید (۱۳۸۰)، «سخن کاوی انتقادی تحلیل کوتاه بر بازتاب قدرت در زبان»، *مجله زبان شناسی*، شماره ۳۲، صص ۲-۲۰.

بعلبکی، روحی (۱۳۹۲)، *المورد*، ترجمه محمد مقدس، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

پروینی، خلیل و رضا نظری (۱۳۹۳)، «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه های نهج البلاغه بر اساس الگوی انسجام هلیدی و حسن»، *فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۳۷-۶۱.

خوئی، حبیب الله بن محمد هاشم (۱۳۴۴)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح: ابراهیم المیانجی، تهران: المکتبه الإسلامیه.

روبینز، آر.اچ (۱۳۹۳)، *تاریخ مختصر زبان شناسی*، ترجمه: علی محمد حق شناس، چاپ ۱۲، تهران: ماد.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴هـ)، *تاج العروس*، تصحیح علی هلالی و علی سیری، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجرة.

سیاح، أحمد (۲۰۱۳م)، *المنجد فی اللغة العربیه المعاصره*، الطبعة الرابعة، بیروت: دارالمشرق.

سیدرضی (۱۳۷۸)، *تنبيه العاقلین وتذکره العارفين*، ترجمه ملا فتح الله کاشانی، تصحیح سید محمدجواد ذهنی تهرانی، چاپ اول، تهران: پیام حق.

شریفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، «بلاغت در نهج البلاغه بررسی تشبیه از جهت بلاغی در نهج البلاغه»، *نشریه علوم انسانی بصیرت*، شماره ۲۳ و ۲۴.

شفای، احمد (۱۳۶۳)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: اساطیر.

۱۹۲ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

شمیسا، سیروس (۱۳۶۸)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ دوم، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، بیان، تهران: فردوس.

صالحی، فاطمه (۱۳۸۶)، «علم معانی و دستور نقش‌گرای هلیدی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۸، پیاپی ۱۲۲، صص ۳۲-۴۱.

طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.

عباسی، نوذر، مرتضی قائمی و مسیب یارمحمدی واصل (۱۳۹۴)، «امام علی (ع) و مدیریت عواطف در خطبه شقشقیه و جهاد»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۸۱-۹۹.

عبدالله، محمد حسن (۲۰۰۲)، «براهیم طوقان (حیات و دراسات فنیه فی شعره)، الکویت: مؤسسه جائزه عبدالعزیز سعود البایطین للابداع الشعری.

عبد، محمد (بی تا)، مقدمه نهج البلاغه، بیروت: دار أحياء التراث العربی.

عرب‌زوزنی، محمدعلی و محمدرضا پهلوان‌نژاد (۱۳۹۳)، «بررسی ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج البلاغه بر اساس فرانش متن نظریه نظام‌مند نقش‌گرا»، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۷-۳۶.

عرب‌زوزنی، محمدعلی، محمدرضا پهلوان‌نژاد و سید حسین سیدی (۱۳۹۵)، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، سال هشتم، شماره ۲۱، صص ۷۹-۱۱۴.

علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه‌های نقد ادبی معاصر، (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)، تهران: سمت.

فتوحی، محمود (۱۳۸۹ه ش)، بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران: سخن.

فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴هـ)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجرة.

الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷هـ)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، «درآمدی بر سخن‌کاوی»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۱۷، صص ۹-۴۰.

مجیدی، ستاره (۱۳۹۰)، «ساخت اطلاع در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرا نظام‌مند و دستور نقش ارجاع»، فصلنامه فرهنگستان، شماره ۷، صص ۱۸۳-۲۰۸.

مختاری، قاسم و فریبا هادی‌فرد (۱۳۹۵)، «التاگری آواها در خطبه جهاد بر اساس نظریه مورس گرامون»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۰۹-۱۳۴.

خوانشی نواز خطبه جهادیه امام علی (ع) بر اساس نظریه ... (پیمان صالحی) ۱۹۳

مشکوٰۃ الدینی، مهدی (۱۳۸۸)، سیر زبان‌شناسی، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۲)، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، مجله فرهنگ، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۳۰۳-۳۲۶.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، پیام امام، شرح تازه و جامعه‌ی بر نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الإسلامیه.

نازی، قنبری پریخانی و علی باقر طاهری‌نیا (۱۳۹۹)، «کاربست دوگانه نظریه انسجام و تحلیل محتوای کیفی در تحلیل متن محور خطبه‌های جهادی امام علی (ع)»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۰۷-۲۲۹.
نظری، علیرضا (۱۳۹۲)، «کارکرد ادات ربطی در انسجام‌بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۳، صص ۳۳-۵۴.

نوروزی، حامد و غلامحسین غلامحسین‌زاده (۱۳۸۸)، «نقش عوامل ربط زمانی در انسجام»، کاوش‌نامه، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۲۹۷-۱۲۹۸.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، چاپ اول، تهران: هرمس.

Halliday, M.A.K. (1985). An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.

Halliday, M.A.K. (1994). Systemic theory. In Asher, R.E. (ed).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی